

متن پرسش

با سلام خدمت شما استاد گرامی: در جلسه ای یک روحانی فرمودند که حدیث هست که بیشتر زنان دوزخی هستند. اینقدر که ما مردانی داریم که به مراتب بالای عرفان رسیدند زن نداریم، بنابراین زنان از نظر معنوی هم از مردان ضعیف تر هستند. برای من این سوال مطرح شد که چرا اینقدر باید طی کردن مراحل معنوی برای یک خانوم مشکل باشه اما برای یک مرد اینطور نیست؟ اگر مسائلی مثل مدگرایی، حسادت، چشم و همچشمی که بیشتر در خانم ها هست را کنار بذاریم شما در نظر بگیرید که مثلا با بچه دار شدن دیگه واقعا خانم نمیتونه برای مدت زمان زیادی نماز با حضور قلب بخونه چرا که در نماز هم همواره در این فکر هست که بچه مثلا داره گریه میکنه. یا مثلا روزه ای میره اما نمیتونه اونجور که باید بهره ببرد و مثال های دیگه. میخوام بگم که انگار موانعی که بر سر راه یک خانم هست بیشتر از موانع بر سر راه یک آقااست، بنابراین خیلی سخت تر و دیرتر میتونه درک کنه که ارتباط با غیب یعنی چه. این را چطور با عدالت خداوند میشه جمع کرد؟ ممنونم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید قرآن پس از طرح این که می فرماید زن و مرد از نفس واحدی خلق شده اند و هر دو دارای گوهر واحدی هستند، نکته‌ی دومی را می توان مطرح کرد که خداوند می فرماید: اگر هر کدام از آنها عمل صالحی را انجام دهند بدون هیچ تبعیضی نتیجه کار خود را می برند، که این نشانه آن است که در اصل شخصیت و فهم حقیقت مساوی اند. به عنوان مثال اگر یک آدم مست و یک آدم هوشیار پول به گدا بدهند هر دو یک ارزش ندارد، زیرا آدم مست اصلاً در حالت انتخاب طبیعی نیست و لذا بخشش او یک بخشش اختیاری به حساب نمی آید. پس اگر آن دو یک عمل را انجام دهند چون در حین انجام بخشش یک شخصیت و یک انگیزه ندارند عمل آنها ارزش یکسان ندارد. حال اگر دو شخصیت یک عمل را انجام دهند و خداوند بفرماید ارزش عمل هر دوی آنها مساوی است نتیجه می گیریم که این دو شخصیت در حقیقت و ذات خود، از نظر ارزش مساوی اند. خداوند در قرآن می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» [۱] هرکس از زن و مرد عمل صالحی را انجام دهند، در حالی که مؤمن باشند، به هر کدام حیات طیب و پاک می دهیم. حیاتی که آلوده به خیالات دنیایی و امیال حیوانی نباشد. طبق این آیه خداوند می فرماید: زن و مرد هر کدام که باشند، در صورتی که مؤمن بوده و عمل صالحی انجام دهند، عملشان برای ما یک اندازه ارزش دارد. نتیجه می گیریم که

ارزش شخصیتشان نزد خداوند یکسان است و در ادامه می فرماید: «وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ [۲] و حتماً با مقیاس قرار دادن بهترین عمل، بقیه اعمالشان را نیز پاداش می دهیم. پس با توجه به این اصل از این دو آیه این را فهمیدیم که زن و مرد در شخصیت و مقام، از نظر اسلام يك میلیارديم فرق ندارند. البته اگر کسی عکس آن را هم بگوید و بخواهد زن را برتر از مرد بداند به همان انحراف دچار است که کسی بگوید مردان برتر از زنانند. با توجه به آیهی فوق؛ باید روایت مورد بحث را به عنوان زن در مقابل مرد قلمداد نکرد، بلکه به عنوان کسی که نقش فریب کاری دارد، مدّ نظر قرار داد. به همان معنایی که قرآن می فرماید: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ» که «زن» را در عرض حبّ الشهوات آورده.

از طرفی وقتی خداوند وظایفی به عهدهی زنان گذارده مثل فرزندداری و همسرداری، به همان اندازه که او وظایف خود را انجام دهد مورد رضوان الهی قرار می گیرد. چه چیزی از این بهتر! نکتهی آخر این که فکر نمی کنم روحانیت زنان کمتر از مردان باشد. محی الدین بن عربی در عین آن که از یکی از استادانش که زن بوده است، یاد می کند، معتقد است زمینهی سلوک عرفانی در زنان بیشتر است. البته اصل این مباحث را می توانید در کتاب «زن؛ آن گونه که باید باشد» می توانید دنبال کنید. موفق باشید

[۱] (۱) - سوره نحل، آیه ۹۷.

[۲] (۲) - سوره نحل، آیه ۹۷.